

نقش هنر محیطی در ادراک خدمات فرهنگی تالاب انزلی

چکیده:

افزایش کیفیت زندگی و دست یابی به رفاه بر حفاظت و بهره‌برداری پایدار از اکوسیستم‌های طبیعی و توجه ویژه به خدمات فرهنگی، استوار است و اکوسیستم‌های طبیعی را بدون شناخت فرهنگ‌های مرتبط با آن‌ها نمی‌توان حفاظت کرد. خدمات فرهنگی، ناملموس و تفسیرگونه‌اند و از تعامل انسان با محیط شکل می‌گیرند. هنر محیطی، یکی از انواع هنر است که به تعامل انسان با محیط، ادراک محیطی و نیز مسایل فرهنگی وابسته است و در بازتاب توجه به موضوعات محیط زیستی شکل گرفته است؛ هم‌سویی در مفاهیم مربوط به خدمات فرهنگی و هنر محیطی و تاثیرات‌شان بر یکدیگر در یک بستر طبیعی امکان‌پذیر بوده و نیازمند پژوهش بین‌رشته‌ای است؛ تا بتوان به ارایه دیدگاه‌های جدید در ادراک رابطه موثر انسان با محیط پرداخت. بدون شک، بازتاب نتایج به توسعه فرهنگ می‌انجامد و مردم را به حفاظت و ترمیم محیط زیست، آگاه و تشویق می‌کند. تالاب انزلی به عنوان اکوسیستمی با ارزش بوم‌شناختی، فرهنگی، اجتماعی و در معرض نابودی، نیازمند راهکارهایی برای افزایش ادراک خدمات فرهنگی و حفاظت می‌باشد. این پژوهش با هدف بررسی عملکرد هنر محیطی در ادراک جوامع بومی از خدمات فرهنگی تالاب انزلی با روش توصیفی-تحلیلی به انجام رسید و داده‌های مورد نیاز از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه جمع‌آوری شد. نتایج نشان دادند که، هنر محیطی در ادراک میراث فرهنگی، آموزش و تعاملات اجتماعی، کاربرد بیش‌تری دارد.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۴

فهمیه عشقی

کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
Email: f.eshghi@modares.ac.ir

رضا افهمی

(نویسنده مسئول)، دانشیار گروه پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
Email: Afhami@modares.ac.ir

افشین دانه‌کار

استاد گروه محیط زیست دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: danekar@ut.ac.ir

DOI شناسه دیجیتال

10.22051/jtpva.2023.42003.1468

واژگان کلیدی: هنر محیطی، خدمات فرهنگی، تالاب انزلی، ادراک

مقدمه

فرهنگی اکوسیستم را ممکن می‌سازد و موجب غنای روحی، توسعه شناختی و تجربه زیبایی شناختی از محیط می‌شود. تالاب انزلی، به عنوان یکی از قطب‌های بوم‌گردی استان گیلان، تاثیر زیادی از نظر محیط زیستی، فرهنگی و اقتصادی بر ساکنان بومی داشته است؛ بنابراین، با توجه به مفهوم هنر محیطی، زمینه مناسبی برای کاربرد این شکل از هنر در پیوند خدمات فرهنگی تالاب انزلی با منافع اجتماعی جامعه بومی تالاب فراهم شده است و سنجش عملکرد هنر محیطی در ادراک حاشیه نشینان تالاب می‌تواند راه‌گشای مهندسی این رابطه باشد؛ این پژوهش، تلاش داشته است به راهکارهایی جدید برای هم‌زیستی سازگار و تاب‌آور انسان با طبیعت تالابی دست یابد. با توجه به نتایج پژوهش عشقی (۱۴۰۱)، میزان ادراک ساکنان پیرامون تالاب انزلی فقط از دو خدمت زیبایی‌شناسی و حس مکان در سطح بالایی بود و میزان ادراک از سایر خدمات فرهنگی در سطح متوسط متمایل به کم و حتی صفر مشاهده شد؛ پرسشی که مطرح می‌شود، این است: آیا هنر محیطی با تکیه بر تعامل انسان با طبیعت و نیز ارتباط تنگاتنگ با فرهنگ می‌تواند در ارتقا ادراک جامعه بومی از خدمات فرهنگی تالاب انزلی کاربرد داشته باشد؟

روش پژوهش

این پژوهش، بین‌رشته‌ای با ماهیت توصیفی-اکتشافی و با هدف کاربردی است. اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و میدانی (مصاحبه-پرسش‌نامه) جمع‌آوری گردید و براساس آن پرسش‌نامه هدف‌مندی تنظیم شد. پیش از توزیع پرسش‌نامه‌ها، روایی و پایایی پرسش‌نامه، تعیین و گزاره‌هایی که روایی و پایایی قابل قبول نداشتند، حذف شد. پرسش‌نامه‌ها بر اساس ۱۰ حوزه خدمات فرهنگی اکوسیستم منطبق با ارزیابی هزاره^۴ تنظیم شد. سپس، براساس اهداف پژوهش و با توجه به زیر حوزه خدمات فرهنگی، چند قلمرو ادراکی از خدمات حوزه برپایه باز دیده‌های میدانی، پویش اسنادی، معیشت بومی، ساختار و فرایندهای بوم شناختی جاری تعیین شد. در حوزه تنوع فرهنگی، ۴ قلمرو ادراکی مرتبط با گوناگونی اقوام، تنوع گویش، ادیان و آیین‌ها، در حوزه ارزش معنوی و مذهبی، ۴ قلمرو ادراکی مرتبط با ارزش مذهبی وابسته به آب، گیاهان، جانوران و آیین‌های وابسته به تالاب تعیین شد. در حوزه سامانه‌های دانشی، ۹ قلمرو ادراکی وابسته به دانش سنتی و دانش بومی با توجه به نظام معیشت جاری در نظر گرفته شد. در حوزه آموزش، ۱۰ قلمرو

مطالعات جهانی در حوزه محیط زیست نشان می‌دهد که درک، حفاظت و مدیریت بوم سازگان‌های طبیعی بدون شناخت فرهنگ‌های مرتبط با آن‌ها میسر نیست؛ چراکه تنوع زیستی و فرهنگی با تاثیر متقابل بر یک دیگر تقویت می‌شوند و برای تضمین تعادل پایدار در سامانه‌های اجتماعی و بوم شناختی ضروری هستند (Otegui, 2007: 22). برای دستیابی به برنامه‌ریزی پایدار محیطی، توجه به جنبه‌های غیرمادی خدمات اکوسیستم‌ها هم لازم است. اگرچه از منظر اقتصادی و مبتنی بر عقلانیت مادی، تصمیم‌گیری‌های صحیح برای دریافت بیش‌ترین بهره از خدمات اکوسیستم، مورد نیاز می‌باشد، اما نگرش فرهنگی عمیق و استوار بر انعکاس ابعاد انسانی و معنوی اکوسیستم باید مورد توجه قرار گیرد؛ تا تعامل میان تنوع زیستی و فرهنگی اکوسیستم به تقویت متقابل آن‌ها در سه قلمرو جسمانی، روانی و اجتماعی بیانجامد (Gee & Burkhard, 2010: 3) و تعادل پایدار برقرار شود. خدمات فرهنگی اکوسیستم^۵ به عنوان یک قلمرو نمادین و تجربی از تعاملات انسانی و ادراک محیط طبیعی که پیوستگی عمیقی را در جوامع ایجاد می‌کند (Chan et al., 2011: 206) و نیز به عنوان ضرورتی برای ورود به مشارکت‌های عمومی و توجه به نگرانی‌های محیط زیستی جامعه تلقی می‌شود که می‌تواند به حفاظت اکوسیستم‌ها منجر شود (Daniel et al., 2012: 8814). طبق تعاریف سیاست‌گذاری‌های خدمات اکوسیستم، هنر، یکی از منافع غیرمادی است که انسان در تعامل با اکوسیستم و در قالب خدمت فرهنگی کسب می‌کند و در شمار ارزش‌های الهام بخش جای می‌گیرد؛ بنابراین، تمرکز بر مقوله هنر به عنوان خدمتی فرهنگی و نیز شکل دادن به یک گفتگوی هنری به عنوان نوعی میانجی بین دو نگرش مادی و غیرمادی به اکوسیستم، می‌تواند با ارزیابی پرسش‌ها، چالش‌ها و تفسیرهای دوباره، معنی یک موضوع، مکان یا تصمیم‌های ویژه‌ای را پدید آورد و به عنوان تصویری با ابعاد معرفت شناختی بر فرهنگ و مفهوم‌سازی آن متمرکز شده و در پایداری اکوسیستم، موثر واقع شود (Buell, 2009: 97; Coates et al., 2014: 75; Kenter, 2016: 280). یکی از انواع هنر که به واسطه رویکرد تعاملی^۶ خود در این زمینه نقش مهمی را ایفا می‌کند، هنر محیطی است؛ که به دلیل ساختار دیداری خود، امکان ایجاد گفتگو میان طبیعت با مخاطب را فراهم ساخته و درک بعد

هنر محیطی که در معماری، ابزار و سازه‌ها، تولیدات بومی و صنایع دستی و با تکیه بر عناصر طبیعی بازتاب دارد.

پیشینه پژوهش

در انجام این پژوهش، موضوعاتی مرتبط با هدف پژوهش یافت شد که به برخی اشاره می‌شود: صادقی و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله «توسعه پایدار و حس تعلق به محیط زیست در هنر محیطی ایران» ضمن تحلیل مفهوم حس تعلق در حوزه طبیعت و محیط زیست، این موضوع را در حوزه هنر محیطی و بر مبنای نظریه ارتباط یا کوبسن نیز مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که، با بهره‌گیری از روش یا کوبسن و رعایت اصول شش‌گانه در مسیرگسترش هنر محیطی، می‌توان در کنار پایداری محیط زیستی، حس تعلق به مکان زندگی را در افراد به وجود آورد و توسعه پایدار و بهره‌برداری هماهنگ با محیط و فرهنگ بومی را برقرار کرد. ترکی باغدادرانی (۱۳۹۳)، در پایان‌نامه «نقش هنر محیطی در بهبود سطح فرهنگی تعامل با محیط (مطالعه ایران)» به معرفی هنرمندان ایرانی و جمع‌آوری نمونه‌هایی از آن‌ها با هدف بررسی نقش آثار هنر محیطی در توسعه فرهنگ زیست محیطی در جوامع معاصر پرداخت. محمدیان و شریف‌زاده (۱۳۹۳)، در مقاله «نگرشی بر چگونگی معناسازی در آثار هنر محیطی از خلال نشانه‌شناسی فرهنگی» با مطالعه ساختار معنایی نشانه‌ها و بررسی وجوه اشتراک و تمایز آن‌ها از طریق رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی در آثار چند تن از هنرمندان محیطی، رابطه بین طبیعت، فرهنگ و هنر محیطی را مورد ارزیابی قرار داده‌اند و با توجه به اشتراکات در استفاده از عناصر طبیعت و نیز تفاوت‌های بیانی و نوع به کارگیری عناصر در این آثار به این نتیجه رسیده‌اند که، آثاری که در طبیعت شکل می‌گیرند، جزئی جدا ناپذیر از طبیعت و فرهنگ انسانی در مناطق مختلف یا فرهنگ‌های فراگیرتر هستند. خارکن قمصری (۱۳۹۵)، در پژوهش «بررسی هنر محیطی ایران از دیدگاه توسعه پایدار» بیان می‌کند که، هنرمندان محیطی به وسیله آثار خود، مفاهیمی هم‌چون ارزش‌ها و باورهای فرهنگی گذشته، عدم برتری انسان نسبت به طبیعت و سایر موجودات، کاربرد صحیح تکنولوژی و استفاده بخردانه از منابع طبیعی را به مخاطب انتقال می‌دهند. جهانگیری و امامی‌فر (۱۳۹۶)، در مطالعه «تاثیر هنر محیطی بر مخاطب با تاکید بر شیوه تعاملی»، با بررسی پنج نمونه از آثار محیطی که در آن‌ها

ادراکی مرتبط با آموزش رسمی و غیر رسمی مرتبط با تالاب تعریف شد. در حوزه الهام بخشی، ۹ قلمرو ادراکی مرتبط با خلق آثار ادبی و هنری، نمادها و تولیدات بومی تشخیص داده شد. در حوزه زیباشناسی، ۸ قلمرو ادراکی مرتبط با ساختارها و فرایندهای طبیعی محدوده مورد مطالعه تعریف شد؛ در حوزه تعاملات اجتماعی، ۷ قلمرو ادراکی مرتبط با فعالیت‌های اشتراکی اجتماعی، کسب و کار و مسئولیت اجتماعی تعیین شد. در حوزه حس مکان، ۹ قلمرو ادراکی مرتبط با وابستگی‌های حسی و ابعاد نوستالژیک تالاب پیش‌بینی شد. در حوزه ارزش میراث فرهنگی، ۷ قلمرو ادراکی مرتبط با فرهنگ ملموس و ناملموس نظام اجتماعی پیرامون تالاب تعیین شد و در حوزه تفرج و اکوتوریسم، ۱۱ قلمرو ادراکی مرتبط با منابع و فعالیت‌های تفرجی در تالاب در نظر گرفته شد؛ به این ترتیب با تحلیل کارکردی فرهنگی تالاب انزلی، ۷۸ قلمرو ادراکی تعیین و به عنوان گویه‌های قابل سنجش در قالب پرسش‌نامه در اختیار گروه ارزیابی قرار گرفت تا عملکرد و گونه‌شناسی هنر محیطی در ادراک حاشیه‌نشینان این تالاب مورد سنجش قرار گیرد. جامعه آماری پرسش‌شوندگان مشتمل بر ۱۵ کارشناس بود که درباره هنر محیطی، خدمات فرهنگی اکوسیستم‌ها و تالاب انزلی دارای تجربه فعالیت، دانش کافی و تالیف بودند. پرسش‌نامه‌ها، کارشناسی محسوب می‌شود (نه اجتماعی و عمومی) و تعداد آن با جدول تعداد این دسته از پرسش‌نامه‌ها مطابق جدول مورگان^۵ هماهنگ است. در پرسش‌نامه تنظیم شده، برای هر خدمت فرهنگی، قلمرو ادراکی متناسب با طیف چهار طبقه لیکرت (زیاد تا عدم کاربرد) برای عملکرد هنر محیطی در ادراک جامعه بومی و طیف چهار طبقه لیکرت برای گونه‌شناسی هنر محیطی در نظر گرفته شد. کارشناسان بنا بر تشخیص خود، میزان عملکرد متناسب با هر گویه و نیز گونه‌شناسی متناسب با هر گویه را انتخاب کردند. طیف چهار طبقه لیکرت - که برای گونه‌شناسی هنر محیطی در نظر گرفته شد - عبارت بودند از: ۱) «گونه «با طبیعت»: شکلی از هنر محیطی که از عناصر طبیعت برای آفرینش آثار هنری استفاده می‌شود؛ ۲) «گونه «در طبیعت»: شکلی از هنر محیطی که اثر هنری در بستر طبیعی آفریده و ارایه می‌شود؛ ۳) «گونه «در بستر طبیعت»: شکلی از هنر محیطی که علاوه بر استفاده از عناصر طبیعی در متن اثر هنری، پیامی درباره طبیعت منتقل می‌شود؛ ۴) «گونه «جاری در زندگی بومی»: شکلی از

جنبه آگاهی بخشی و تاثیرگذاری این آثار بر رابطه مخاطبان با محیط زیست پرداخته و به این نتیجه رسیدند که، آثار کریستو-کلود با آمیزش ظریف تصنع و طبیعت، مخاطب را به تعمق در رابطه اش با محیط دعوت می کنند و با ایجاد تغییر در ارزش های زیباشناختی قدیمی آثار هنری، همراه با اشاره به ارزش های ذاتی طبیعت با معانی مختلف، ارزش هایی نو را جایگزین می کنند. ادواردز و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله «گفتگوی هنری برای استخراج ارزش های مشترک، متکثر و فرهنگی اکوسیستم ها» گفتگوی هنری را به عنوان جایگزینی حیاتی برای رویکردهای ابزاری (اقتصادی) و تعمقی (مشورتی) در غالب ارزش یابی ها و تصمیم گیری های محیط زیستی معرفی می کنند و تاکید دارند که این گفتگو توسط یک هنرمند و با همکاری جمعی از شرکت کنندگان و مخاطبان صورت می گیرد و می تواند در قالب یک رویداد واحد مانند یک کارگاه صورت گیرد و اهداف آن به جای کنکاش در یک موضوع از پیش تعیین شده، کشف مسئله ای از راه های اصلی، چالش برانگیز و با نتایجی غیرمنتظره و رهایی بخش باشد. گفتگوی هنری، میان رویکردهای مشورتی و تفسیری در تصمیم گیری های محیط زیستی و تاریخ هنر اجتماعی قرار می گیرد و در این نوشتار ویژگی های آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. هدف چنین گفتگویی، مشارکت مخاطب، فرم، محتوا و تغییر ارزش ها و هویت از طریق یادگیری تحول آفرین معرفی شده است. چنین گفتمانی، متکی به گفتگوی انتقادی، تبادل نظر آزاد و تجربه هنرمندی است که فرآیند را هدایت می کند. در مطالعه رادیسرو و همکاران (۲۰۱۹)، با عنوان «موجودیت های بنیادین در آلپ اروپا: درک و استفاده از یک خدمت فرهنگی اکوسیستم»، آمده است که، آلپ، کانون تنوع زیستی در اروپا و محل زندگی بسیاری از گونه های بومی است و بسیاری از این گونه ها برای مردم، معنای نمادین دارند و جزیی جداناپذیر از فرهنگ آلپ محسوب می شوند. ویژگی ها و ارتباطات این کاربردهای نمادین، به ندرت از منظر خدمات اکوسیستم، مورد بررسی قرار گرفته اند. از آن جایی که ادراک این نمادها به فردیت و ذهنیت بستگی دارد، ارزیابی آن ها دشوار است؛ بنابراین، از طریق یک پرسش نامه چندزبانه، گونه هایی از آلپ - که معنای نمادین دارند - مورد بررسی قرار گرفت و کاربرد مکانی این نمادها نقشه سازی شده است. با تمرکز بر دو شاخص هویت فرهنگی اهالی بومی و اهمیت نمادها، نتایج نشان داد که امروزه، خدمات اکوسیستم مورد

از عنصر تعامل استفاده شده، به بررسی نقش تعامل در انتقال پیام به مخاطب در هنر محیطی پرداخته و به این نتیجه رسیده اند که، تعامل میان مخاطب و محیط، با ایجاد حس مطلوب در کاربر یا مخاطب، در شیوه زندگی او تاثیر می گذارد. عباس پور و اعظم زاده (۱۳۹۶)، در مقاله «عملکرد هنر محیطی در مواجهه با مسایل زیست محیطی در ایران» به بررسی آثار هنرمندان محیطی و اهداف آن ها در خلق آثارشان درباره مسایل محیط زیستی پرداخته و به این نتیجه رسیدند که، هنرمندان محیطی، بیش از این که بخواهند هنر خود را نمایش دهند، سعی در هویت بخشی به همه ابعاد محیط زیست و کمک به رفع بحران های محیط زیستی ایران دارند و همراه با جلب نظر مخاطب به اثر هنری، راه های حفظ و بقای محیط زیست را نیز ارائه می دهند. سلمان (۱۳۹۶)، در مقاله «هنر محیطی، رسانه موثر در تعامل و رابطه دوسویه انسان، محیط زیست و هستی» به بررسی کارکرد هنر محیطی با رویکردی محیط زیستی و در فضای شهری پرداخته و توسعه هنر محیطی شهری را علاوه بر افزایش کیفیت کالبدی و دیداری شهر در بهبود حیات اجتماعی و افزایش کیفیت فرهنگی در شهرها نیز موثر می داند. فهیمی نژاد (۱۳۹۸)، در پایان نامه «نقش مولفه های فرهنگ و هنرهای بومی در هنر محیطی ایران (مطالعه هنر زیست محیطی)» به نحوه بیان و به ویژه نقش فرهنگ و نمادهای بومی و سنتی در آثار هنر محیطی و میزان تاثیر این آثار در ارتقای سواد محیط زیستی جوامع پرداختند. مطلبی و احمدی (۱۳۹۸)، در مقاله «دغدغه های زیست محیطی در قالب هنر محیطی و شهری» به بررسی دلایل توجه هنرمندان به رسانه های نوین و میزان حضور این رسانه ها در فضاهای شهری ایران و نیز چگونگی موفقیت آن ها در انتقال مفاهیم محیط زیستی پرداخته و به این نتیجه رسیده اند که، در میان رسانه های هنری جدید، هنر محیطی به دلیل برقراری ارتباط سریع و آسان با محیط و مخاطب، دارای هم سوایی بیش تری با اهداف و دغدغه های زیست محیطی هنرمند است و البته، نمایش آثار هنر محیطی در محیط های شهری به واسطه حضور حداکثری شهروندان، بهتر از نمونه هایی که در دل طبیعت قرار دارند، مخاطبان را جذب و حتی گاهی در فرآیند خلق اثر به مشارکت و می دارد. میرخاتمی و آفرین (۱۳۹۸)، در مقاله «تحلیل مولفه ها و مسایل زیباشناسی زیست محیطی در آثار کریستو-کلود» با مطالعه مولفه های محوری زیباشناسی زیست محیطی در آثار کریستو-کلود، به

محیط پیرامون اثر و مواد و مصالح موجود در محیط، در چگونگی خلق و عرضه اثر هنری تاثیر زیادی دارد. شکل ۱، نمونه‌هایی از هنر محیطی عصر معاصر را نشان می‌دهد. اصطلاح هنر محیطی در طول زمان تکامل خود از سوی بسیاری از صاحب نظران به صورت یک اصطلاح چترگونه به کار رفته است که هنر بوم‌شناختی^۷ هنر زمینی^۸ هنر خاکی^۹، هنر در طبیعت و اکوونشن آرت^{۱۰} (اکولوژی + نوآفرینی) را دربر می‌گیرد (قلعه، ۱۳۸۹: ۷۵).

ادراک و هنر محیطی

یکی از ویژگی‌های بارز هنر محیطی، تفسیر و اطلاع‌رسانی فرآیندهای مربوط به طبیعت است. تفسیر در این عرصه در پی یافتن کیفیتی از ادراک^{۱۱} است، ولی نه به روش ظاهری که تصور دانستن پاسخ را ایجاد کند؛ بلکه آن چه معنا را در یاد (سیروس صبری، ۱۳۹۲: ۱۶۶). برای حفاظت از ارزش‌ها درک کاملی از معنای پدیده‌ها نیاز است و در فرآیند تفسیر^{۱۲} قبول کردن درک پدیده‌ها الزامی است. تفسیر فرآیند ارتباط با مردم در مورد اهمیت یک مکان و یا یک شی است؛ با این هدف که از آن‌ها بیش از پیش لذت ببرند، به درک میراث و محیط خود بهتر نایل آیند و رفتاری مثبت در مورد حفظ و نگهداری در آن‌ها به وجود آید. مهم‌ترین عنصر از عناصر سه‌گانه تفسیر، پدیده است. موجودات زنده در اکوسیستم‌ها، نه تنها ارزش وجودی دارند، بلکه هر کدام دربرگیرنده پیغام ارزنده‌ای برای انسان هستند و در صورت درک این پیام است که می‌توان به درستی از ارزش آن‌ها مطلع شد و در حفاظت آن‌ها کوشا بود. بازدیدکننده از دیگر عناصر تفسیر است که می‌تواند محیط را بپذیرد یا آن را رد کند. درک این‌که جهان پیرامون چگونه کار می‌کند، یکی از موارد اصلی در هر فعالیت بشری است. هدف تفسیرکننده، ایجاد ارتباط بین بازدیدکننده و پدیده

غفلت واقع شده و یک روش شناسی عملی و امکان‌پذیر برای ارزیابی این خدمات لازم است.

مبانی نظری

برحسب ضرورت و با توجه به ابعاد نوآورانه و بین‌رشته‌ای این پژوهش، لازم است که هنر محیطی، ارتباط ادراک و هنر محیطی، تعامل و هنر محیطی و فرهنگ و طبیعت در هنر محیطی به عنوان پایه‌های نظری این پژوهش، واکاوی شود.

هنر محیطی^۶

هنر محیطی شکلی از هنر است که، در بازتاب حرکت توجه به موضوعات محیط زیستی و با تمرکز بر اثرات رابطه انسان و طبیعت شکل گرفت (قلعه، ۱۳۸۹: ۷۴)؛ و بیش از هر چیز بازگشت به طبیعت را نشان می‌دهد (اسماگولا، ۱۳۸۱: ۳۸۴). واژه محیط در فرهنگ جامعه‌شناسی مدرن به تمام شرایط بیرونی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی اطلاق می‌شود که می‌تواند یک فرد یا یک گروه را تحت تاثیر قرار دهد (سیروس صبری، ۱۳۹۲: ۳۱). هنر محیطی یک ارتباط اثرگذار در محیط است و همان‌گونه که نقاش به وسیله یک خط یا سطح، اثری را روی کاغذ یا بوم خود ایجاد می‌کند، هنرمند محیطی این اثر را در محیطی متفاوت و البته، به روشی نوآورانه خلق می‌کند (مکتبی، ۱۳۹۲: ۳). هنر محیطی به تفسیر طبیعت و خلق آثاری که در مورد طبیعت و فرآیندهای آن و یا در زمینه مشکلات محیطی است، می‌پردازد و نگرش جدیدی از رابطه انسان با طبیعت ایجاد می‌کند و تلاش دارد راهکارهایی نو برای هم‌زیستی با محیط اطراف در اختیار گذارد (سیروس صبری، ۱۳۹۲: ۲۲ و ۲۴). هنرمندان محیطی با استفاده از عناصر یا اشیای موجود در طبیعت و یا در محیط‌های غیرمتعارف اثر خود را ارایه می‌دهند و چگونگی



شکل ۱- نمونه‌هایی از آثار هنر محیطی در عصر حاضر (عشقی، ۱۴۰۱: ۵۴).

است. در حیطه هنر محیطی، هنرمند، وظیفه ارزشمند تفسیرکننده را دارد (همان: ۱۶۹-۱۷۰). یک تفسیر محیطی درست و کامل براساس تجربیات و نه بر پایه‌های انتزاعی استوار است و محافظت مهم‌ترین و اولین حاصل فرآیند تفسیر محیطی است. عوامل اقتصادی نباید تنها عوامل تصمیم‌گیری در مورد پدیده‌ها باشند، بلکه عوامل فرهنگی و اجتماعی را نیز باید در نظر گرفت و اطلاعاتی که در این زمینه گردآوری می‌شوند، باید براساس حقایق استوار باشند؛ تا بتوانند در جهت خدمت به هدف حفاظت از محیط موثر باشند (همان: ۱۷۰).

تعامل و هنر محیطی

هنر محیطی همواره، بر درگیر کردن مخاطب با اثر هنری وابسته بوده و برای کامل شدن به مشارکت مخاطب نیاز دارد؛ این تعامل می‌تواند از طریق تأثیر بر ادراک ذهنی مخاطب، حس تعلق او را نسبت به محیط طبیعی زندگی تقویت کرده و عاملی برای پیوند انسان با طبیعت باشد. منظور از تعامل در هنر، مشارکت مخاطب در آفرینش اثر هنری است؛ که او را از حالت منفعل خارج کرده و به کاربری فعال تبدیل می‌کند. کیفیت تعاملی مشخصه‌ای است که در هنر سنتی گذشته نقش کم‌رنگی داشته، اما در تبلیغات جدید ضرورت و گستردگی بیش‌تری یافته است. هنر محیطی با استفاده از در دسترس بودن، ایجاد مشارکت و نیز ایجاد سطوح فعالیت به تعامل و ایجاد ارتباط می‌پردازد و در واقع، با حضور مردم و تماشاگران معنا می‌یابد (جهانگیری و امامی‌فر، ۱۳۹۶: ۵). تجربه تعاملی برای یک شخص با یک مکان خاص، می‌تواند با قدرت این ارتباط و میزان معنادار بودن آن متغیر باشد. هر چه ارتباط قوی‌تر باشد، تجربه تعاملی حاصل از هنر محیطی موثرتر خواهد بود. هم‌چنین، هنر محیطی می‌تواند با توجه به شرایط بیرونی، اجتماعی و فرهنگی به ایجاد ارتباط بپردازد و موجب پیشرفت فرهنگی و آموزش‌های عمومی در جامعه گردد. در واقع، هنر محیطی می‌تواند با استفاده از برقراری ارتباط و ایجاد جذابیت برای مخاطب، جنبه فراگیری آن را افزایش داده و اثر هنری را به یک رسانه جمعی و هنری با اهداف آموزشی مبدل کند (همان: ۷).

خدمات فرهنگی اکوسیستم

این خدمات شامل مزایای غیر مادی هستند که مردم از

اکوسیستم‌ها و از طریق غنی‌سازی معنوی، رشد شناختی، تامل، تفریح و تجارب زیباشناختی کسب می‌کنند (Alcamo & Bennett, 2003: 58). خدمات فرهنگی، به اعتقاد پژوهش‌گران، یکی از مولفه‌های اساسی در همه چارچوب‌های خدمات اکوسیستم، به‌شمار می‌آیند (Chan et al., 2011: 210). شناخت و ترویج خدمات فرهنگی اکوسیستم، خاطر نشان می‌سازد، اکوسیستم‌ها مملو از ارزش فرهنگی و دارای اهمیت در برقراری رفاه انسانی هستند (Cooper et al., 2016: 220). خدمات فرهنگی اکوسیستم، مولفه‌های خارجی طبیعت نیستند که در انتظار کشف و تخصیص توسط انسان باشند - مثل غذا و آب که بلعیده می‌شوند - آن‌ها معمولاً، از لحاظ ویژگی‌های ساختاری، ناملموس و تفسیری هستند و از روابط بین انسان و غیر انسان پدید می‌آیند. ویژگی ناملموس بودن خدمات فرهنگی اکوسیستم، امری مهم است و اغلب طبقه‌بندی و اندازه‌گیری آن‌ها را دشوار می‌سازد (Chan et al., 2011: 207). برخی پژوهش‌گران معتقدند که، همه خدمات فرهنگی با فعالیت اندام‌های حسی و مغز جذب، پردازش و درک می‌شوند (Baat & De Groot, 2012: 8). برخی دیگر اشاره داشته‌اند که محیط فیزیکی، فقط یک بستر ادراک است و ارزش ناملموس خدمات با افزودن پوشش‌های شناختی و تخیلی اختصاص می‌یابد (Gee & Burkhard, 2010: 349).

مطابق ارزیابی هزاره اکوسیستم (Alcamo & Bennett, 2003: ۵۸)، خدمات فرهنگی اکوسیستم‌ها در ۱۰ موضوع قابل تشخیص است. ۱) تنوع فرهنگ^{۱۳}: تنوع اکوسیستم‌ها یکی از عوامل موثر بر تنوع فرهنگها محسوب می‌شود. اکوسیستم‌ها به سبب منافعی که برای مردم و اقوام مختلف دارند، کانونی برای گردهمایی صلح جویانه اقوام مختلف با آداب و رسوم، زبان و گویش ویژه و هم‌زیستی ادیان و مذاهب متفاوت می‌شود؛ ۲) ارزش‌های معنوی و مذهبی^{۱۴}: در بسیاری از ادیان، ارزش‌های معنوی و مذهبی با اکوسیستم‌ها یا اجزای آن پیوند دارند؛ ۳) سامانه‌های دانشی^{۱۵}: سیستم‌های دانش سنتی و رسمی، از خدمات فرهنگی اکوسیستم‌ها محسوب می‌شوند که در فرهنگ‌های مختلف به شکل‌های متفاوتی بروز می‌کنند؛ ۴) ارزش‌های آموزشی^{۱۶}: اکوسیستم‌ها، ساختار و فرایندهای جاری در آن‌ها، زمینه را برای آموزش رسمی و غیر رسمی فراهم می‌کنند، ۵) الهام بخشی^{۱۷}: اکوسیستم‌ها، دارای

مقدار عملکرد هنر محیطی در ادراک این خدمت «زیاد» است. کارشناسان، گونه هنر محیطی «درباره طبیعت» را کارآمدتر، تشخیص دادند.

عملکرد و گونه شناسی هنر محیطی در ادراک خدمت سامانه های دانشی

قلمروهای ادراکی نُه گانه برای سامانه های دانشی در نظر گرفته شد و کارشناسان، مقدار عملکرد هنر محیطی را در ادراک جامعه بومی از این خدمت «متوسط تا زیاد» برآورد کردند. گونه هنر محیطی «در طبیعت»، برای عملکرد هنر محیطی برای ادراک حاشیه نشینان از این خدمت، مناسب تر تشخیص داده شد.

عملکرد و گونه شناسی هنر محیطی در ادراک خدمت آموزش

براساس نظر کارشناسان و مطابق جدول ۱، ۱۰ قلمرو ادراکی برای آموزش در نظر گرفته شد و میزان عملکرد هنر محیطی در ادراک این خدمت «زیاد» ارزیابی شد. هم چنین، گونه «با طبیعت» در ادراک حاشیه نشینان تالاب انزلی، کارآمدتر اعلام شد.

عملکرد و گونه شناسی هنر محیطی در ادراک خدمت الهام بخشی

براساس نُه قلمرو ادراکی تعیین شده در جدول ۱ و نتایج حاصل از آرای کارشناسان، مقدار عملکرد هنر محیطی در ادراک حاشیه نشینان تالاب انزلی از این خدمت «زیاد» تشخیص داده شد. گونه هنر محیطی «در طبیعت» کارآمدتر در ادراک ساکنان از این خدمت فرهنگی اعلام شد.

عملکرد و گونه شناسی هنر محیطی در ادراک خدمت زیباشناسی

براساس هشت قلمرو ادراکی تعیین شده و میانگین حاصل از آرای کارشناسان، مقدار عملکرد هنر محیطی در ادراک حاشیه نشینان تالاب انزلی از این خدمت «زیاد» تشخیص داده شد. گونه هنر محیطی «در طبیعت» از نظر کارشناسان، برای ادراک، مناسب تر اعلام شد.

عملکرد هنر محیطی در ادراک خدمت تعاملات اجتماعی

طبق نظر کارشناسان و هفت قلمرو ادراکی تعیین شده برای تعاملات اجتماعی، مقدار عملکرد هنر محیطی در ادراک جامعه محلی از این خدمت «زیاد» تشخیص داده شد. ضمن تاکید کارشناسان بر جاری بودن این خدمت در زندگی اهالی بومی، گونه هنر محیطی «در طبیعت» در ادراک تعاملات اجتماعی، کاربردی تر اعلام شد.

ارزش های نمادین و منبع الهام بخش برای هنر، آداب و رسوم، نمادهای ملی، معماری و تبلیغات هستند؛ (۶) ارزش های زیباشناختی^{۱۸}: جلوه های زیبا و جذابیت های دیداری اکوسیستم ها، باعث خوشایندی و ماندگاری تصاویر در ذهن مردم می گردد؛ (۷) تعاملات اجتماعی^{۱۹}: اکوسیستم ها به سبب عرضه بسیاری از محصولات که بهره برداری از آن ها نیازمند مشارکت های جمعی و اجتماعی است، بستری برای تعاملات اجتماعی مهیا می کنند؛ (۸) حس مکان^{۲۰}: اکوسیستم ها بستری برای پیوند انسان با خاطرات و تجربیات حسی گذشته است و چنین تجربیات حسی، سبب دل بستگی با آن می شود؛ و گاهی، انسان خود را با آن باز می شناسد؛ (۹) ارزش میراث فرهنگی^{۲۱}: برخی اکوسیستم ها دارای بناها یا سازه های قدمت دار (باستانی یا تاریخی) و عمارت ها و دست ساخته های فرهنگی نمادین و یا مکان وقوع برخی رویدادهای تاریخی یا فرهنگی هستند؛ (۱۰) تفرج و اکوتوریسم^{۲۲}: اکوسیستم ها به سبب جذابیت های دیداری، جلوه های نظام سکونت و فعالیت های بومی پیرامون خود، از محیط های پرجاذبه برای گردشگری محسوب می شوند.

تجزیه و تحلیل

نتایج این پژوهش به تفکیک ادراک شناسی^{۱۰} زیر بخش خدمات فرهنگی، برحسب عملکرد هنر محیطی در ادراک جامعه بومی و گونه شناسی هنر محیطی ارایه می شود. یافته های پژوهش به صورت کمی و نرمالایز شده در جدول ۱ درج شده است.

عملکرد و گونه شناسی هنر محیطی در ادراک خدمت

تنوع فرهنگی

برای خدمت تنوع فرهنگی چهار قلمرو ادراکی در نظر گرفته شد و براساس بیش ترین میانگین به دست آمده از مجموع آرای کارشناسان، مقدار عملکرد هنر محیطی در ادراک این خدمت «متوسط تا زیاد» است. هم چنین، ضمن تاکید کارشناسان بر جاری بودن این خدمت در زندگی بومی، گونه هنر محیطی «درباره طبیعت»، برای ادراک جامعه بومی، مناسب تر تشخیص داده شد.

عملکرد و گونه شناسی هنر محیطی در ادراک ارزش های

معنوی و مذهبی

چهار قلمرو ادراکی برای ارزش های معنوی و مذهبی در نظر گرفته شد و براساس بیش ترین میانگین به دست آمده،

عملکرد و گونه‌شناسی هنر محیطی در ادراک خدمت

حس مکان

مطابق نُه قلمرو ادراکی تعیین شده برای این خدمت فرهنگی، مقدار عملکرد هنر محیطی در ادراک این خدمت «متوسط متمایل به زیاد» اعلام شد. گونه هنر محیطی «با طبیعت» در افزایش ادراک حاشیه‌نشینان تالاب، کارآمدتر اعلام شد.

عملکرد و گونه‌شناسی هنر محیطی در ادراک ارزش‌های

میراث فرهنگی

براساس نظر کارشناسان در جدول ۱ و هفت قلمرو ادراکی تعیین شده برای این خدمت فرهنگی، مقدار عملکرد هنر محیطی در ادراک ساکنان از این خدمت «زیاد» تشخیص

داده شد. ضمن تاکید این موضوع که این خدمت فرهنگی جاری در زندگی بومی است و بستر پذیرش بالایی برای هنر محیطی دارد، کارشناسان گونه هنر محیطی «در طبیعت» را برای افزایش ادراک جامعه بومی، مناسب‌تر تشخیص دادند.

عملکرد و گونه‌شناسی هنر محیطی در ادراک خدمت

تفرج و اکوتوریسم

براساس نظر کارشناسان و یازده قلمرو ادراکی تعیین شده برای تفرج و اکوتوریسم، مقدار عملکرد هنر محیطی در ادراک این خدمت «متوسط» تشخیص داده شد. با تاکید بر جاری بودن این خدمت در زندگی اهالی بومی، گونه هنر محیطی «در طبیعت» برای ادراک حاشیه‌نشینان تالاب انزلی، مناسب‌تر تشخیص داده شد.

جدول ۱. عملکرد و گونه‌شناسی هنر محیطی در ادراک حاشیه‌نشینان تالاب انزلی (عشقی، ۱۴۰۱: ۱۵۷).

نوع خدمت فرهنگی	عملکرد هنر محیطی برای ادراک جامعه محلی (درصد)							نوع از هنر محیطی برای بیان آن کاربرد دارد (درصد)	
	زیاد	متوسط	کم	کاربرد ندارد	با طبیعت	در طبیعت	در باره طبیعت بومی		
۱) تنوع فرهنگی	۴۳	۵۷	۰	۰	۴۳	۱۴	۲۹	گوناگونی اقوام پیرامون تالاب	
	۱۴	۱۴	۵۷	۱۴	۰	۲۹	۵۷	تنوع گویش‌ها پیرامون تالاب	
	۲۹	۲۹	۲۹	۱۴	۱۴	۰	۵۷	تنوع ادیان و مذاهب پیرامون تالاب	
	۵۷	۴۳	۰	۰	۲۹	۵۷	۰	تنوع آیین‌های فرهنگی وابسته به تالاب	
	۳۶	۳۶	۲۱	۷	۲۱	۲۱	۲۵	۳۲	میلنگین
۲) ارزش معنوی و مذهبی	۸۶	۰	۰	۱۴	۴۳	۰	۵۷	۰	ارزش و اهمیت مذهبی آب و پاکیزگی آن
	۷۱	۱۴	۰	۱۴	۵۷	۱۴	۲۹	۰	ارزش و اهمیت مذهبی گیاهان وابسته به تالاب
	۵۷	۲۹	۰	۱۴	۲۹	۱۴	۵۷	۰	ارزش و اهمیت مذهبی جانوران وابسته به تالاب
	۵۷	۲۹	۰	۱۴	۱۴	۱۴	۴۳	۲۹	آیین‌های مذهبی وابسته به تالاب
	۶۸	۱۸	۰	۱۴	۳۶	۱۱	۴۶	۷	میلنگین
۳) سامانه‌های دانشی	۲۹	۵۷	۱۴	۰	۱۴	۷۱	۱۴	۰	دانش سنتی در کشت و زرع پیرامون تالاب
	۴۳	۴۳	۱۴	۰	۲۹	۴۳	۰	۲۹	دانش سنتی در دامپروری وابسته به تالاب
	۰	۸۶	۱۴	۰	۱۴	۷۱	۱۴	۰	دانش سنتی در ماکیان‌داری وابسته به تالاب
	۵۷	۴۳	۰	۰	۴۳	۵۷	۰	۰	دانش سنتی در صید آبزیان تالاب
	۱۴	۴۳	۲۹	۱۴	۱۴	۱۴	۲۹	۴۳	دانش سنتی در استفاده‌های دارویی و درمانی از تالاب
	۵۷	۴۳	۰	۰	۱۴	۴۳	۴۳	۰	دانش سنتی در شکار پرندگان تالابی
	۴۳	۱۴	۲۹	۱۴	۰	۲۹	۲۹	۴۳	دانش سنتی در تولیدات خوراکی از زیست‌مندان تالاب
	۷۱	۲۹	۰	۰	۱۴	۵۷	۱۴	۱۴	دانش سنتی در تولیدات بومی و صنایع دستی وابسته به تالاب
	۸۶	۰	۱۴	۰	۱۴	۴۳	۱۴	۲۹	دانش بومی در معماری سازگار با تالاب
	۴۴	۴۰	۱۳	۳	۱۷	۴۸	۱۷	۱۷	۱۷

نوع خدمت فرهنگی	عملکرد هنر محیطی برای ادراک جامعه محلی (درصد)								نوع خدمت فرهنگی	
	چه نوع از هنر محیطی برای بیان آن کاربرد دارد (درصد)	کاربرد ندارد	با طبیعت	در طبیعت	درباره طبیعت	جاری در زندگی بومی	زیاد	متوسط		کم
آموزش (۴)	آموزش رسمی (دانش آموز یا دانشجوی) درباره تالاب	۰	۰	۱۴	۸۶	۰	۰	۴۳	۱۴	۰
	آموزش رسمی در حاشیه و میانه تالاب (با کمک منابع تالاب)	۲۹	۰	۱۴	۵۷	۰	۰	۴۳	۱۴	۰
	آموزش رسمی برای تالاب (نجات، بهسازی و احیای تالاب)	۲۹	۱۴	۱۴	۴۳	۰	۰	۴۳	۱۴	۰
	آموزش رسمی مردم شناسی تالاب	۴۳	۰	۱۴	۴۳	۰	۱۴	۴۳	۱۴	۰
	آموزش غیر رسمی (مردم بومی و گردشگران) دارایی های تالاب	۰	۴۳	۰	۵۷	۰	۰	۴۳	۱۴	۰
	آموزش غیر رسمی وضعیت تالاب	۰	۴۳	۰	۵۷	۰	۰	۴۳	۱۴	۰
	آموزش غیر رسمی سازگاری با تالاب	۴۳	۰	۰	۵۷	۰	۰	۴۳	۱۴	۰
	آموزش غیر رسمی (مردم بومی) حساسیت، آسیب پذیری و عملکردهای تالاب	۱۴	۴۳	۱۴	۲۹	۰	۱۴	۲۹	۲۹	۵۷
	آموزش غیر رسمی (مردم بومی) سازگاری با تالاب	۰	۲۹	۱۴	۵۷	۰	۰	۴۳	۱۴	۰
	آموزش غیر رسمی (مدیران مرتبط) حساسیت، آسیب پذیری و عملکردهای تالاب	۱۴	۴۳	۱۴	۲۹	۰	۱۴	۲۹	۲۹	۵۷
	میانگین	۱۷	۲۶	۱۰	۴۷	۰	۴	۱۹	۲۹	۷۷
	الهام بخشی (۵)	الهام بخشی برای خلق آثار هنری	۰	۲۹	۵۷	۱۴	۰	۱۴	۱۴	۱۴
الهام بخشی برای خلق آثار ادبی		۲۹	۱۴	۴۳	۱۴	۰	۲۹	۲۹	۲۹	۴۳
الهام بخشی برای موسیقی		۰	۲۹	۴۳	۲۹	۰	۲۹	۲۹	۲۹	۴۳
الهام بخشی برای ایده های تبلیغاتی		۰	۱۴	۲۹	۵۷	۰	۱۴	۱۴	۱۴	۷۱
الهام بخشی برای معماری		۲۹	۱۴	۵۷	۰	۰	۲۹	۰	۲۹	۷۱
الهام بخشی برای نمادهای روستایی		۱۴	۰	۴۳	۴۳	۰	۱۴	۰	۱۴	۸۶
الهام بخشی برای نمادهای محیط زیستی		۰	۱۴	۲۹	۵۷	۰	۰	۱۴	۱۴	۸۶
الهام بخشی برای درک ارتباط متقابل آب، خاک، گیاه و جانور		۰	۴۳	۰	۵۷	۰	۱۴	۱۴	۱۴	۷۱
الهام بخشی برای تولیدات فرهنگی یا اقتصادی بومی		۵۷	۰	۱۴	۲۹	۰	۰	۲۹	۲۹	۷۱
میانگین		۱۴	۱۷	۳۵	۳۳	۰	۱۶	۱۶	۱۶	۶۸
زیباشناسی (۶)	زیبایی های وابسته به گستره یا حرکت آب	۰	۰	۷۱	۲۹	۰	۱۴	۵۷	۵۷	۲۹
	جنبه های زیباشناختی گیاهان آبی تالاب	۰	۰	۴۳	۵۷	۰	۰	۴۳	۴۳	۵۷
	جنبه های زیباشناختی بیشه های حاشیه تالاب	۰	۰	۴۳	۵۷	۰	۱۴	۲۹	۲۹	۵۷
	جنبه های زیباشناختی پرندگان آبی و کنار آبی تالاب	۰	۲۹	۵۷	۱۴	۰	۱۴	۱۴	۱۴	۷۱
	جنبه های زیباشناختی رابطه صید و صیادی در تالاب	۰	۲۹	۲۹	۴۳	۰	۱۴	۱۴	۱۴	۷۱
	جنبه های زیباشناختی آسمان تالاب	۰	۱۴	۱۴	۷۱	۰	۱۴	۷۱	۷۱	۱۴
	جنبه های زیباشناختی معماری روستایی	۲۹	۱۴	۴۳	۱۴	۰	۰	۱۴	۱۴	۸۶
	جنبه های زیباشناختی کشاورزی و دامپروری سنتی	۵۷	۱۴	۱۴	۱۴	۰	۱۴	۱۴	۱۴	۷۱
	میانگین	۱۱	۱۳	۳۹	۳۸	۰	۱۱	۳۲	۳۲	۵۷
	تالاب، مکانی برای معاشرت روستاییان	۵۷	۱۴	۲۹	۰	۰	۲۹	۱۴	۱۴	۵۷
تالاب، مکانی برای کار گروهی	۲۹	۴۳	۲۹	۰	۰	۱۴	۲۹	۲۹	۵۷	
تالاب، محلی برای اوقات فراغت جامعه	۲۹	۱۴	۴۳	۱۴	۰	۱۴	۲۹	۲۹	۵۷	

۷) تعاملات اجتماعی

نوع خدمت فرهنگی	عملکرد هنر محیطی برای ادراک جامعه محلی (درصد)								نوع خدمت فرهنگی	
	کاربرد دارد (درصد)	چه نوع از هنر محیطی برای بیان آن	زیاد	متوسط	کم	کاربرد ندارد	با طبیعت	در طبیعت		درباره طبیعت
۷) تعاملات اجتماعی	تالاب، مکانی برای کسب و کار	۲۹	۴۳	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۵۷	۰	۲۹
	تالاب، نشست‌ها و شوراهای محلی	۴۳	۱۴	۲۹	۱۴	۱۴	۱۴	۲۹	۰	۷۱
	سرنوشت تالاب، انگیزه‌های برای مشارکت جامعه بومی با غیربومی	۸۶	۰	۱۴	۱۴	۱۴	۰	۱۴	۵۷	۱۴
	تالاب، فرصتی برای تعامل با مسافران و گردشگران تالاب، فرصتی برای تعامل با مسافران و گردشگران	۵۷	۱۴	۲۹	۱۴	۲۹	۰	۱۴	۵۷	۰
	میانگین	۵۵	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۴	۸	۳۷	۱۸
۸) حس مکان	لحظات خاطره‌ساز	۲۹	۵۷	۱۴	۱۴	۰	۷۱	۲۹	۰	۰
	یادآوری خاطرات گذشته	۱۴	۷۱	۱۴	۱۴	۰	۴۳	۰	۵۷	۰
	حس علاقه به موجودیت تالاب	۷۱	۲۹	۰	۰	۰	۷۱	۱۴	۱۴	۰
	احساس آرامش در کنار تالاب	۲۹	۷۱	۰	۰	۰	۸۶	۰	۱۴	۰
	تمایل به ماندن بیشتر در تالاب	۵۷	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۲۹	۷۱	۰	۰
	احساس قوی و پرنرژی بودن در کنار تالاب	۲۹	۷۱	۰	۰	۰	۱۴	۱۴	۵۷	۰
	احساس لذت از تنها بودن در کنار تالاب	۵۷	۲۹	۱۴	۱۴	۰	۵۷	۱۴	۲۹	۲۹
	حس شادی و سرزندگی و فراموشی غم‌ها در کنار تالاب	۱۴	۵۷	۲۹	۲۹	۰	۱۴	۲۹	۲۹	۲۹
	احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت تالاب	۸۶	۱۴	۰	۰	۰	۱۴	۱۴	۷۱	۰
	میانگین	۴۳	۴۶	۱۰	۴۶	۲	۲۵	۲۴	۶	۲۴
	۹) ارزش میراث فرهنگی	ساختمان‌ها و سازه‌های تاریخی حاشیه تالاب	۷۱	۰	۲۹	۰	۰	۷۱	۱۴	۱۴
رویدادهای تاریخی در پیرامون تالاب		۵۷	۲۹	۱۴	۰	۰	۲۹	۲۹	۴۳	۲۹
مراسم سنتی و بومی در پیرامون تالاب		۸۶	۱۴	۰	۰	۰	۱۴	۱۴	۱۴	۵۷
معماری ساختمان‌های محلی در حاشیه تالاب		۷۱	۲۹	۰	۰	۰	۴۳	۱۴	۴۳	۱۴
گیاهان دارویی محلی وابسته به تالاب		۲۹	۴۳	۱۴	۱۴	۱۴	۲۹	۱۴	۱۴	۴۳
غذاهای سنتی وابسته به تالاب		۵۷	۱۴	۲۹	۱۴	۰	۱۴	۱۴	۱۴	۵۷
قصه‌ها و افسانه‌های بومی وابسته به تالاب		۷۱	۲۹	۰	۰	۰	۵۷	۰	۴۳	۰
میانگین		۶۳	۲۲	۱۲	۲۲	۲	۳۵	۱۶	۴۱	۱۶
۱۰) تفویج و اکوتوریسم	تفریح در چمنزارهای حاشیه تالاب	۲۹	۴۳	۲۹	۰	۰	۷۱	۲۹	۲۹	۰
	قایق‌گردی داخل تالاب	۱۴	۵۷	۲۹	۰	۰	۸۶	۱۴	۱۴	۰
	صید و شکار تفریحی یا ورزشی	۲۹	۴۳	۰	۰	۰	۲۹	۲۹	۲۹	۲۹
	دیدن زیبایی‌های طلوع، غروب و آسمان	۲۹	۱۴	۵۷	۰	۰	۴۳	۲۹	۲۹	۰
	دیدن گیاهان تالابی	۱۴	۷۱	۱۴	۰	۰	۷۱	۲۹	۷۱	۰
	دیدن پرندگان و جانوران تالابی	۷۱	۱۴	۱۴	۰	۰	۸۶	۱۴	۱۴	۰
	عکاسی در تالاب	۵۷	۱۴	۲۹	۰	۰	۴۳	۲۹	۲۹	۰
	اقامت در کلبه‌های بوم‌گردی حاشیه تالاب	۱۴	۴۳	۲۹	۱۴	۰	۷۱	۱۴	۱۴	۱۴
	پیک نیک در حاشیه یا داخل تالاب	۰	۱۴	۷۱	۱۴	۰	۸۶	۱۴	۱۴	۰
	استفاده از رستوران‌ها یا قهوه‌خانه‌های تالاب	۰	۷۱	۱۴	۱۴	۱۴	۲۹	۲۹	۰	۵۷
	دیدن جاذبه‌های زندگی روستایی حاشیه تالاب	۷۱	۲۹	۰	۰	۰	۱۴	۰	۱۴	۸۶
	میانگین	۳۰	۳۸	۲۶	۳۸	۶	۵۵	۱۸	۱۷	۱۸

جدول ۱۰۲. اولویت بندی عملکرد و گونه شناسی هنر محیطی در ادراک ساکنان حاشیه تالاب انزلی (عشقی، ۱۴۰۱: ۱۶۶).

خدمت فرهنگی	مجموع امتیاز عملکرد متوسط و زیاد	امتیاز جاری در زندگی	جمع	اولویت	گونه شناسی هنر محیطی
ارزش میراث فرهنگی	۸۵	۴۱	۱۲۶	۱	در طبیعت
آموزش	۹۶	۱۷	۱۱۳	۲	باطبیعت
تعاملات اجتماعی	۷۵	۳۷	۱۱۲	۳	در طبیعت
تنوع فرهنگی	۷۲	۳۲	۱۰۴	۴	درباره طبیعت
سامانه های دانشی	۸۴	۱۷	۱۰۱	۵	در طبیعت
زیباشناسی	۸۹	۱۱	۱۰۰	۶	در طبیعت / با طبیعت
الهام بخشی	۸۴	۱۴	۹۸	۷	در طبیعت
حس مکان	۸۹	۶	۹۵	۸	باطبیعت
ارزش معنوی و مذهبی	۸۶	۷	۹۳	۹	درباره طبیعت
تفریح و اکوتوریسم	۶۸	۱۷	۸۵	۱۰	در طبیعت

انزلی تمرکز شده بود و با توجه به کیفیت تعاملی و رابطه بنیاد هنر محیطی که همواره، بر بهبود رابطه انسان با طبیعت و به دنبال آن ارتقای فرهنگی استوار است و نیز با توجه به تعاریف خدمات دهگانه فرهنگی و نیز قلمرو ادراکی تعیین شده برای هر کدام، نتایج اولویت کاربرد هنر محیطی در ادراک ساکنان از این خدمات مورد تحلیل قرار گرفت؛ به ویژه، در مواردی که از ادراک کم تر ساکنان حاشیه تالاب انزلی برخوردار بودند. نتایج نشان دادند که، ارزش میراث فرهنگی، آموزش و تعاملات اجتماعی، به ترتیب بیش ترین مقدار کاربرد هنر محیطی را در ادراک به خود اختصاص داده اند و بنابراین، این سه خدمت می توانند مبنایی برای دست یابی به اهداف هنر محیطی در تالاب انزلی در نظر گرفته شوند. از سویی دیگر، طبق نتایج به دست آمده از پژوهش عشقی (۱۴۰۱)، این سه خدمت در شمار خدمات فرهنگی با ادراک ضعیف تشخیص داده شدند؛ پس با توجه به این که از نظر کارشناسان، هنر محیطی در این سه خدمت بیش ترین مقدار کاربرد را می تواند داشته باشد، می توان از هنر محیطی برای ارتقای ادراک این خدمات و نیز توسعه ارزش های حاصل از این خدمات بهره گرفت. هم چنین، گونه هنر محیطی «در طبیعت» که در آن، اثر هنری در بستر طبیعت خلق و عرضه می شود، برای ادراک بهتر خدمت ارزش میراث فرهنگی و تعاملات اجتماعی و سپس، گونه «با طبیعت» که در آن از عناصر طبیعت برای خلق آثار هنری استفاده می شود، برای ارتقای ادراک از خدمت آموزش تشخیص داده شد و بنابراین، این دو گونه از هنر محیطی می تواند برای

جمع بندی عملکرد و گونه شناسی هنر محیطی در ادراک حاشیه نشینان تالاب انزلی از خدمات فرهنگی تالاب

مطابق نتایج به دست آمده در جدول ۲، عملکرد هنر محیطی در ادراک ساکنان حاشیه تالاب انزلی از خدمات فرهنگی این تالاب در خدمت تفریح و اکوتوریسم «متوسط»، در خدمات تنوع فرهنگی، سامانه های دانشی و حس مکان «متوسط تا زیاد» و در خدمات ارزش معنوی و مذهبی، آموزش، الهام بخشی، زیباشناسی، تعاملات اجتماعی و ارزش میراث فرهنگی «زیاد» تشخیص داده شد. بنابراین، بهتر است که اولویت اقدام در عملکردهای با میزان «زیاد» بیش تر مورد توجه قرار گیرد. هم چنین، در میان خدماتی که عملکرد هنر محیطی در آن زیاد است، برای اولویت بندی می توان به امتیاز نسبی کسب شده توسط کارشناسان و جاری بودن خدمت در زندگی بومی توجه نمود؛ بنابراین، اولویت بندی کاربرد هنر محیطی در ادراک خدمات فرهنگی عبارت است از: (۱) میراث فرهنگی (۲) آموزش (۳) تعاملات اجتماعی (۴) تنوع فرهنگی (۵) سامانه های دانشی (۶) ارزش های زیباشناختی (۷) الهام بخشی (۸) حس مکان (۹) ارزش های معنوی و مذهبی (۱۰) تفریح و اکوتوریسم. هم چنین، مطابق نتایج، گونه هنر محیطی «در طبیعت» در اغلب خدمات فرهنگی، مقدار عملکرد بالاتری را در ادراک حاشیه نشینان تالاب انزلی نشان می دهد.

نتیجه گیری

از آن جایی که در این پژوهش بر ادراک حاشیه نشینان تالاب

ارتقای ادراک حاشیه‌نشینان تالاب انزلی از خدمات فرهنگی، کارآمدتر محسوب گردد. در ادامه، پیشنهاد می‌شود که، با اجرای هنر محیطی با محوریت محیط زیستی در پهنه تالاب انزلی و برقراری زمینه‌های مشارکت جوامع بومی در اجرای

آثار هنر محیطی، بتوان ادراک جوامع بومی و به‌ویژه، کودکان را از وضعیت کنونی تالاب و نیز خدمات فرهنگی آن، افزایش داد تا زمینه حفاظت در سایه برنامه‌ریزی پایدار محیطی برای این اکوسیستم آبی ارزشمند فراهم گردد.

پی‌نوشت

1. Cultural Ecosystem Services.
2. Interactional.

۳. نک. (Alcamo & Bennett, 2003:10).

۴. نک. (Krejcie & Morgan, 1970:608).

5. Environmental Art.
6. Ecological Art.
7. land Art.
8. Earth Art.
9. Ecovention Art.
10. Understanding.
11. Interpretation.
12. Cultural Diversity.
13. Spiritual and religious values.
14. Knowledge systems.
15. Educational values.
16. Inspiration.
17. Aesthetic values.
18. Social relations.
19. Sense of place.
20. Cultural heritage values.
21. Recreation and ecotourism.

کتاب‌نامه

- اسماگولا، هواردجی (۱۳۸۱). *گرایش‌های معاصر در هنرهای بصری*، ترجمه فرهاد غبرایی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- اعظم‌زاده، محمد و عباس‌پور، یسنا (۱۳۹۶). «عملکرد هنر محیطی در مواجهه با مسایل زیست محیطی در ایران»، اولین همایش بین‌المللی مبانی نظری هنرهای تجسمی ایران با رویکرد محیط زیست، تهران، ۱-۱۹.
- ترکی باغبادانی، زهرا (۱۳۹۳). *نقش هنر محیطی در بهبود سطح فرهنگی تعامل با محیط (مطالعه موردی: ایران)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر، تهران: دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس.
- جهانگیری، سارا و امامی‌فر، سید نظام‌الدین (۱۳۹۶). «تأثیر هنر محیطی بر مخاطب با تأکید بر شیوه تعاملی»، اولین همایش بین‌المللی مبانی نظری هنرهای تجسمی با رویکرد محیط زیست، تهران، ۱-۱۲.
- خارکن قمصری، شهرزاد (۱۳۹۵). *بررسی هنر محیطی ایران از دیدگاه توسعه پایدار*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- سلمان، صدیقه (۱۳۹۶). «هنر محیطی، رسانه موثر در تعامل و رابطه دوسویه انسان، محیط زیست و هستی»، اولین همایش بین‌المللی مبانی نظری هنرهای تجسمی ایران با رویکرد محیط زیست، تهران، ۹-۲۶.
- سیروس صبری، رضا (۱۳۹۲). *هنر محیطی*، تاملی در عناصر معنی‌دهنده به منظر، تهران: سازمان زیباسازی.
- صادقی، فاطمه؛ مهرنگار، منصور؛ افهمی، رضا و غفاری، گلسا (۱۳۹۳). «توسعه پایدار و حس تعلق به محیط زیست در هنر محیطی ایران»، اولین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی، تهران، ۱-۱۲.

- عشقی، فهیمه (۱۴۰۱). نقش هنر محیطی در توسعه ارزش‌های فرهنگی مناطق زیست محیطی حفاظت شده (مطالعه موردی: تالاب انزلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر، تهران: دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- فهیمی‌نژاد، هستی (۱۳۹۸). نقش مولفه‌های فرهنگ و هنرهای بومی در هنر محیطی ایران (مطالعه موردی: هنر زیست محیطی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر، تهران: دانشگاه سوره.
- قلعه، رضا (۱۳۸۹). «هنر محیطی - بررسی تاریخی و نظری»، منظر، دوره ۲، شماره ۷، ۷۴-۷۵.
- محمدیان، آسیه و شریف‌زاده، محمدرضا (۱۳۹۳). «نگرشی بر چگونگی معناسازی در آثار هنر محیطی از خلال نشانه‌شناسی فرهنگی»، پژوهش هنر، شماره ۱، ۷-۱۴.
- مطلبی، شیوا و احمدی، بهرام (۱۳۹۸). «دغدغه‌های زیست محیطی در قالب هنر محیطی و شهری»، فرهنگ یزد، دوره ۳، شماره ۱، ۴۸-۶۸.
- مکتبی، محمود (۱۳۹۲). «بررسی هنر محیطی با تأکید بر عناصر چهارگانه طبیعت»، نشریه الکترونیکی عقربه (URL).
- میرخاتمی، مرجان و آفرین، فریده (۱۳۹۸). «تحلیل مولفه‌ها و مسایل زیباشناسی و زیست محیطی در آثار کریستو و کلود»، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، دوره ۴، شماره ۲، ۴۵-۷۱.
- Alcamo, J., and Bennett, E.M. (2003). *Millennium Ecosystem Assessment: Ecosystems and*
- Braat, L. C., & De Groot, R. (2012). The Ecosystem Services Agenda: Bridging the Worlds of Natural Science and Economics, Conservation and Development, And Public and Private Policy. *Ecosystem Services*. May. 1. 4-15.
- Buell, L. (2009). *The Future of Environmental Criticism: Environmental Crisis and Literary*
- Chan, K. M., Goldstein, J., Satterfield, T., Hannahs, N., Kikiloi, K., Naidoo, R., ... & Woodside, U. (2011). Cultural Services and Non-Use Values. *Natural Capital: Theory and Practice of Mapping Ecosystem Services*. 206-228
- Coates, P., Brady, E., Church, A., Cowell, B., Daniels, S., DeSilvey, C., ... & Waters, R. (2014). *Arts & Humanities Perspectives on Cultural Ecosystem Services (CES)*. UNEP-WCMC, LWEC, UK.
- Cooper, N., Brady, E., Steen, H., & Bryce, R. (2016). Aesthetic And Spiritual Values of Ecosystems: Recognising the Ontological and Axiological Plurality of Cultural Ecosystem 'Services'. *Ecosystem Services*. October. 21. 218-229.
- Daniel, T. C., Muhar, A., Arnberger, A., Aznar, O., Boyd, J. W., Chan, K. M., ... & von der Dunk, A. (2012). Contributions of Cultural Services to The Ecosystem Services Agenda. *Proceedings of the National Academy of Sciences*. June. 23. 8812-8819.
- Edwards, D. M., Collins, T. M., & Goto, R. (2016). *An Arts-Led Dialogue to Elicit Shared, Plural and Cultural Values of Ecosystems*. *Ecosystem Services*. October. 319-328.
- Gee, K., & Burkhard, B. (2010). Cultural Ecosystem Services in the Context of Offshore Wind Farming: A Case Study from the West Coast of Schleswig-Holstein. *Ecological Complexity*. September. 3. 349-358.
- *Human Well-being*. USA: Island Press.
- *Imagination*. John Wiley & Sons, 188p.
- Kenter, J. O. (2016). Deliberative and Non-Monetary Valuation. *Routledge Handbook of Ecosystem Services*. UK: Routledge.
- Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining Sample Size for Research Activities. *Educational and Psychological Measurement*. Autumn. 3. 607-610
- Otegui-Acha, M. (2007). *Developing And Testing a Methodology and Tools for the Inventorying of Sacred Natural Sites of Indigenous and Tradicional People in Mexico*. UK: Routledge.
- Rüdiger, J., Schirpke, U., & Tappeiner, U. (2019). Symbolic Entities in the European Alps: Perception and Use of a Cultural Ecosystem Service. *Ecosystem Services*. October. 39. 100980.

URLs:

- URL1. www.aghrabe.com (1400/9/14).

Role of Environmental Art in the Perception of Cultural Services of Anzali Wetland

Abstract:

Conservation and sustainable use of natural ecosystems, as well as paying particular attention to cultural services, are the basis for increasing the quality of life and achieving well-being. The interaction between biological and cultural diversities makes them stronger and protecting them is essential to ensure a sustainable balance in social and ecological systems. Therefore, it is not possible to understand and protect natural ecosystems without recognizing cultures related to them. From an economic (material) point of view, it is necessary to make the right decisions to get the most benefit from environmental services. However, deep cultural (non-material) attitude followed by cultural valuation based on reflecting the spiritual dimensions of the ecosystem should also be considered as cultural services of the ecosystem. As a result, the interaction between the biological and cultural diversities of the ecosystem strengthens both of them in the three domains: physical, psychological and social. Finally, a sustainable balance will be established. Ecosystem cultural services are advantages that ecosystems provide for human well-being through shaping identities, gaining experiences, and providing facilities. More precisely, ecosystem cultural services are non-material benefits that humans obtain from ecosystems through spiritual enrichment, cognitive development, reflectance, recreation, and aesthetic experiences. According to the definitions stated in the ecosystem services policy to determine the programs (Millennium Ecosystem Assessment), cultural services are classified into ten categories: cultural heritage, educational values, recreation and ecotourism, social interactions, knowledge systems, spiritual and religious values, inspiration, aesthetic values, cultural diversity and a sense of place. Art, which is one of the non-material benefits that humans get from the ecosystem as a cultural service, is placed in the category of symbolic (inspiring) values of cultural services. Therefore, focusing on the category of art, as a symbolic value and a cultural service, as well as creating an artistic dialogue as an intermediate discussion between two material and non-material approaches to the ecosystem, which evaluates questions and challenges and provides reinterpretations, can define the meaning of a topic, problem or place or lead to specific decisions, and as an illustration that has epistemological dimensions, can also focus on culture and its conceptualization and be effective in the sustainability of the ecosystem. Environmental art is a type of art that has an important role in natural ecosystems because of its interactive approach in this field. Due to its visual structure, the art makes it possible to create a dialogue between nature and the audience, as well as understand the

Document Type:

Original/Research/Regular Article

Receive Date: 03 September 2022

Revise Date: 24 January 2023

Accept Date: 21 February 2023

Fahimeh Eshghi

(Corresponding Author) (Master of Art Research Faculty of Arts, Tarbiat Modares University, Tehran.

Email: f.eshghi@modares.ac.ir

Reza Afhami

Associate Professor of Art Reseach Department, Tarbiat Modares University, Tehran.

Email: Afhami@modares.ac.ir

Afshin Danehkar

Professor of the Department of Environmental science, University of Tehran)

Email: danehkar@ut.ac.ir

DOI:

10.22051/jtpva.2023.42003.1468



cultural dimension of the ecosystem. Also, it causes spiritual enrichment, cognitive development and aesthetic experience of the environment and creates a set of experiences that lead to the recognition of many different advantages of the ecosystem for the establishment of cultural practices and cognitive and non-cognitive interactions between people and their landscapes, positions and life spaces. The main goal of environmental art can be considered as creating a context for establishing stable harmony between humans and natural elements through education and interpretation of natural processes, reviving damaged environments, providing new courses of action for coexistence with the surrounding environment, and interdisciplinary participation in society. Considering the importance of education in environmental art, people's participation is one of the basic events of this process, and environmental art is based on such relationships. Therefore, the part of people's life that is influenced by culture and nature should be investigated with environmental art. Environmental art is based on the interaction between humans and the environment as well as environmental perception, it relies on cultural issues and is established based on reflecting the attention to environmental issues. On the other hand, it was stated that cultural services, that have an intangible and interpretive nature, are obtained from the interaction between humans and their ecosystem and are based on the quality of perception. Therefore, commonalities in the concepts related to cultural services and environmental art and the alignment of these concepts make it possible for them to influence each other in a natural context. In order to provide new perspectives on understanding the human-environment relationship, and more precisely, to provide solutions for improving the human-environment relationship by measuring the impact of art and culture, it is necessary to conduct interdisciplinary research. The results will undoubtedly develop culture, increase people's awareness of environmental restoration and conservation and encourage them to protect and restore it. Anzali Wetland is one of the tourism hubs in Gilan province; in terms of environment, culture and economy, it has remarkable impacts on the local residents and provides them with a variety of cultural services. According to the concept of environmental art and its obvious form in nature as nature art, a proper context has been provided for the use of this type of art in linking the cultural services of this aquatic ecosystem with social and cultural benefits for the native community. To analyze this relationship, it can be useful to measure the perception of local communities around this wetland about its cultural services. The aim of this research is to evaluate the impact and efficiency of environmental art on the understanding of Anzali Wetland cultural services from the perspective of knowledgeable experts, by using a new perspective on the relationship between suburbanites and nature in the context of Anzali Wetland and also determining the perceptual territories for various cultural services that originate from this relationship. It also aimed to find new courses of action for the compatible and resilient coexistence of the local community and wetland nature, as well as provide the basis for the promotion of the perception of Anzali Wetland cultural services and the conservation and sustainable use of this valuable and damaged ecosystem. In this research, suburbanites of Anzali Wetland were interviewed. The obtained data were prepared for the relevant experts in the form of questionnaires. This method was used with the aim of investigating the performance of environmental art and its appropriate type in the perception of local communities about the cultural services of the wetland. The results showed that the effectiveness of environmental art is more in understanding Cultural Heritage, Education and Social Interactions. Based on the results and also considering that the level of perception for these three services was found to be low, it can be concluded that environmental art can be useful in improving the perception of these services. Among 4 innovative types for environmental art, the "In Nature" type, in which the artwork is created and presented in the context of nature, has been recognized as more appropriate for the perception of most cultural services. In this research, most information has been collected by field, and some by library, methods; they presented by descriptive analytical method.

Keywords: Ecosystem Services, Environmental Art, Cultural Services, Anzali Wetland, Perception of the Indigenous Community.

References:

- Alcamo, J., and Bennett, E.M. (2003). *Millennium Ecosystem Assessment: Ecosystems and*
- Azamzadeh, M. & Abbaspour, Y. (2017). Performance of Environmental Art in Facing Environmental Issues in Iran. *The First International Conference on the Theoretical Foundations of Iranian Visual Arts with an Environmental Approach*. Tehran.
- Braat, L. C., & De Groot, R. (2012). The Ecosystem Services Agenda: Bridging the Worlds of Natural Science and Economics, Conservation and Development, And Public and Private Policy. *Ecosystem Services*. May. 1. 4-15.
- Buell, L. (2009). *The Future of Environmental Criticism: Environmental Crisis and Literary*
- Chan, K. M., Goldstein, J., Satterfield, T., Hannahs, N., Kikiloj, K., Naidoo, R., ... & Woodside, U. (2011). Cultural Services and Non-Use Values. *Natural Capital: Theory and Practice of Mapping Ecosystem Services*. 206-228
- Coates, P., Brady, E., Church, A., Cowell, B., Daniels, S., DeSilvey, C., ... & Waters, R. (2014). *Arts & Humanities Perspectives on Cultural Ecosystem Services (CES)*. UNEP-WCMC, LWEC, UK.

- Cooper, N., Brady, E., Steen, H., & Bryce, R. (2016). *Aesthetic And Spiritual Values of Ecosystems: Recognising the Ontological and Axiological Plurality of Cultural Ecosystem 'Services'. Ecosystem Services*. October. 21. 218-229.
 - Daniel, T. C., Muhar, A., Arnberger, A., Aznar, O., Boyd, J. W., Chan, K. M., ... & von der Dunk, A. (2012). *Contributions of Cultural Services to The Ecosystem Services Agenda. Proceedings of the National Academy of Sciences*. June. 23. 8812-8819.
 - Edwards, D. M., Collins, T. M., & Goto, R. (2016). *An Arts-Led Dialogue to Elicit Shared, Plural and Cultural Values of Ecosystems*. Ecosystem Services. October. 319-328.
 - Eshghi, F. (2022). *The Role of Environmental Art in the Development of Cultural Values of Protected Environmental Areas) Case Study: Anzali Lagoon*. MA Thesis in Art Research. Tarbiat Modares University. Tehran.
 - Fahiminejad, H. (2019). *The Role of Culture Components and Native Arts in Iranian Environmental Art (Case Study: Environmental Art)*. MA Thesis in Art Research. Soore University. Tehran.
 - Gee, K., & Burkhard, B. (2010). Cultural Ecosystem Services in the Context of Offshore Wind Farming: A Case Study from the West Coast of Schleswig-Holstein. *Ecological Complexity*. September. 3. 349-358.
 - Ghaleh, R. (2010). Environmental Art - The Historical and Theoretical Survey. *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*. June. 7. 74-75.
 - *Human Well-being*. USA: Island Press.
 - *Imagination*. John Wiley & Sons, 188p.
 - Jahangiri, S. & Emamifar, S.N. (2017). The Effect of Environmental Art on the Audience with an Emphasis on the Interactive Method. *The First International Conference on the Theoretical Foundations of Visual Arts with an Environmental Approach*. Tehran.
 - Kenter, J. O. (2016). Deliberative and Non-Monetary Valuation. *Routledge Handbook of Ecosystem Services*. UK: Routledge.
 - Kharkan Ghamsari, Sh. (2016). *The Study of Iranian Environmental Art from the Perspective of Sustainable Development. MA Thesis*. Tehran: Islamic Azad University.
 - Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining Sample Size for Research Activities. *Educational and Psychological Measurement*. Autumn. 3. 607-610
 - Maktabi, M. (2013). *The Study of Environmental Art with An Emphasis on The Four Elements of Nature*. (URL1).
 - Mirkhatami, M. & Afarin, F. (2019). An Analysis of Eco-Aesthetic Aspects in the Work of Christo-Claude. *Pazhuhesh Name-e Farhangestan-e Honar*. Winter. 4. 45-71.
 - Mohammadian, A. & Sharifzadeh, M.R. (2014). Looking at Meaning-Creation in Environmental Art through Cultural Semiotics. *Pazhuhesh-e Honar*. Spring and Summer. 7. 1-14.
 - Motalebi, S. & Ahmadi, B. (2019). Ecological Concerns in the form of Environmental and Urban Art. *Culture of Yazd*. December. 3. 48-68.
 - Otegui-Acha, M. (2007). *Developing And Testing a Methodology and Tools for the Inventorying of Sacred Natural Sites of Indigenous and Traditional People in Mexico*. UK: Routledge.
 - Rüdiger, J., Schirpke, U., & Tappeiner, U. (2019). Symbolic Entities in the European Alps: Perception and Use of a Cultural Ecosystem Service. *Ecosystem Services*. October. 39. 100980.
 - Sadeghi, F.; Mehrnegar, M.; Afhami, R. & Ghafari, G. (2014). Sustainable Development and A Sense of Belonging to the Environment in Iranian Environmental Art. *The First International Congress of New Horizons in Architecture and Urban Planning*. Tehran.
 - Salman, S. (2017). Environmental Art, The Effective Medium in the Interaction and Two-Way Relationship between Human, Environment, and Existence. *The First International Conference on the Theoretical Foundations of Iranian Visual Arts with an Environmental Approach*. Tehran.
 - Sirous Sabri, R. (2013). *Environmental Art, Hesitance in the Elements Giving Meaning to the Landscape*. Tehran: Organization of Beautification
 - Smagola, H. (2002). *Contemporary Trends in Visual Arts*. (Translated by F. Ghabraei). (First Ed.). Tehran: Cultural Research Office.
 - Toriki Baghbadrani, Z. (2014). *The Role of Environmental Art in the Improvement of the Cultural Level of Interaction with the Environment (Case Study: Iran)*. MA thesis in Art Research. Tarbiat Modares University. Tehran.
- URLs:**
- URL1. www.aghrabe.com (1400/9/14).